

## مطبوعات آماج گفت وگو و دیدگاه شماری از فرهنگیان!

در این بخش مصاحبه، گفتگویی داریم با خانم منیژه نادری، سردبیر فصلنامه "نهال" و مسئول نهاد نشراتی "شاهنامه".

- خانم منیژه نادری، پیش از اینکه به فکر تدارک، تهیه و چاپ فصلنامه برون مرزی نهال شوید، چه مشغولیت مطبوعاتی و فرهنگی داشتید؟

با ابراز سپاس از شما، من مدتی پیشتر از نشر "نهال" مشغول کارهای نهاد نشراتی "شاهنامه" بودم. البته گاهگاهی مطالبی را پراکنده از زبان انگلیسی ترجمه کرده ام، ولی از آن کارها راضی نیستم و امیدوارم اگر زمینه میسر شود، بتوانم بیشتر در مورد بپردازم و از زبان انگلیسی و همچنان هالندی که تازه دارم با آن آشنا می‌شوم، چیزهای تهیه دارم.

- چرا عرصه کارتان را به نشریه آموزشی و معلوماتی برای کودکان و نوجوانان اختصاص داده اید؟

انتخاب عرصه کار با کودکان و یا برای کودکان و نوجوانان برایم از اهمیت زیاد برخوردار است. اول اینکه خودم یک مادر استم و میدانم که کودک و نوجوانی که در غرب پرورش می‌یابد، اگر از داشته‌ها و پیشینه فرهنگ کشور خود آگاهی نداشته باشد و با زبان آن آشنا نباشد، در قدم نخست روابط خانوادگی و محیط افغانها برایش غیر قابل درک و بی ارزش می‌باشد و در گامهای بعدی وقتیکه بیشتر شامل اجتماع کشور میزبان میشود، فکر میکند که خود و یا خانواده اش از یک محیط عقب مانده و نارس آمده اند و آهسته آهسته برایش احساس حقارت دست میدهد. البته این یک بحث جداگانه است و برمیگردم به پرسش شما. من مدتی مشغول تدریس زبان مادری در یکی از کورس‌ها بودم و در جریان دریافتم که چقدر کار با کودکان خوش آیند و ارزشمند است. کودک و نوجوانی که از دانش‌های معاصر با روش‌های بسیار مدرن آموزش می‌گیرد، برایش چقدر مشکل است که برداشتهای خود را به خانواده و به خصوص مادرش توضیح دهد و شما میدانید که زمانیکه اطفال چیزی می‌آموزند، میخواهند به زودی آن را تبارز دهند و در صورت نبود زبان مشترک در یک خانواده، کودک و نوجوان با چه مشکلی مواجه میشود. البته این گوشه‌یی از مشکلات یک کودک یا نوجوان افغان در غربت است.

و اگر این مطلب را از زاویه دیگری ببینیم، به این مفهوم که اصالت ما در برابر زبان ما چیست، شاید تفسیر این حرف نزد هر شخص در محدوده سطح برداشت و دانشش باشد، برای من رسانیدن یک امانت بزرگ و ادای حقیقت که از دیار، هموطن، مادر و سرشتم بر من ندا میشود. اگر ما حد اقل نتوانیم زبانی را که با آن حرف می‌زنیم و لحظه‌یی از ما بریدنی نیست، به کودک خود بشناسانیم، پس ما برای فرزندمان چه سرمایه معنوی بجا گذاشته ایم؟ اگر کمی دقت کنیم، فرزند ما تا اندازه‌ای با این زبان آشناست؛ در چند سال اول عمرش همواره آن را شنیده است و کُنده و شکسته صحبت کرده است؛ چرا این نخستین اندوخته‌های زندگی او را که به قول دانشمندی "یک انسان بیشترین آموزش را در نخستین سالهای زندگی می‌گیرد" بگذاریم به هدر روند، چرا آنرا تقویت نکنیم؟

در شماری از کشورهای غربی بعد از فراغت دوره متوسطه مکتب، شمار زبانهایی را که شاگرد با آن آشناست، در فراغت نامه تحصیلی اش درج میکنند و چه خوب است که زبان مادری فرزندان ما نیز در برگه تحصیلی اش افزوده گردد و این یک پیروزی بزرگی برای فرزندانمان خواهد آمد.

- در پهلوئ شورای دبیران چه کسان ممد و همکار تان میباشند؟

من بنا به داشتن مسئولیت یک نهاد نشراتی، خوشبختانه افتخار آشنایی با شمار زیاد از فرهنگیان و قلمبیدستان کشورمان را در غرب دارم که یا از همکاری مستقیم شان برخوردار شده‌ام و یا به وسیله شان توانسته‌ام توجه فرهنگیان و به خصوص نویسندگان عرصه ادبیات کودک را جلب کنم.

برای نخستین شماره های نشریه نوپای "نهال" از همکاری پروین پژواک، محمد حسین محمدی و در این اواخر بانو طیبه سهیلا در بخش کودکان و نو جوانان و نوشته هایی از استاد لطیف ناظمی در رابطه به آموزش زبان برای بزرگسالان از برون از هالند برخوردار بوده ام و در هالند همکاری شماری از نویسندگان و فرهنگیان عزیز را چون بانو ا. آزم، محمد شاه فرهود، خانم پروین سرابی - که از تجربه ویژه در عرصه کار با کودکان برخوردار است- دریافت کرده ام. البته رهنمایی های سودمند شخص شما نیز در بهبود بخشیدن سطح کار "نهال" قابل یادآوریست. همچنان از همکاری همسر فرهنگدوستم که در زمینه نشر "نهال" با ما همکاری و در مشکلات با من همگام بوده است، مدیونم.

#### - تا چه اندازه به آینده کار تان امیدوار هستید؟

پاسخ این حرف تا آن اندازه که مربوط به خودم و همکاران متعهد "نهال" میباشد، مثبت است. ولی دردی که همه جامعه فرهنگی ما در غرب از آن متأثر است، واضح و آشکار است. میدانیم که اکثریت خانواده ها غربت نشین مان یا درگیر پیشبرد زندگی پر جنجال اینجا هستند که اصلاً مجال نمی یابند که زمینه یی را برای پرداختن به مطالعه و یا کار با فرزندان شان فراهم سازند و شاید هم گاهی خودشان از این موضوع رنج ببرند؛ و هم هستند خانواده هایی که با تأسف، افتخار میدانند با فرزند شان به زبان کشور میزبان حرف بزنند و البته برای آسان ساختن کار خود، از فرزندان شان به مثابه معلم زبان در خانه استفاده میکنند. در صورتیکه هماهنگی و همکاری متقابل خواننده های و یا واضحتز بگویم استفاده کنندگان این نشریه با کارکنانش کم باشد، فکر میکنم برگه های "نهال" هم مانند دیگر نشراتی که در غرب چاپ میشوند، با باد هوا صفحه زده شود.

#### - از مشکلات کار تان در مقام سردبیر و ویراستار این فصلنامه بگوئید.

ما در بخش های مختلف دچار مشکلات استیم. از گزینش مطالب گرفته تا به ویرایش و یگانگی نگارش یا توحید املائی با دشواری هایی مواجه بوده و استیم. امیدوارم در آینده با استفاده از راهنمایی های سودمند صاحب نظران بتوانیم این مشکلات را کنار بگذاریم. اگر اجازه داشته باشیم، میتوانیم این مشکلات را به دو گونه زیر دسته بندی کنیم:

نخست تهیه مطالب:

چون بیشترین محور کار این نشریه، پرداختن به "زبان مادری" است؛ با وجود جستجوی زیاد، من و همکارانم تا به حال موفق نشده ایم یک منبع درستی را دریابیم که بتوانیم از آن به ویژه در بخش آموزش زبان فارسی به شکل زبان دوم استفاده کنیم. در کشور های غربی شیوه ها و روش های سودمندی برای آموزش زبان با در نظر داشت سن و سال و درجه تحصیل در نظر گرفته شده است که یک خارجی که تازه به زبان کشور میزبان می پردازد، باید در مدت یکسال با اساسات آن زبان، طرز جمله بندی و دستور زبان آشنا شده و تا حدی با آن زبان گفتگو کند.

با وجودی که در کشور ما چنین سیستم و موادی وجود ندارد، حتا به گمان من در دانشکده ادبیات، بحثی برای ادبیات کودک و زبان کودک شاید گنجانیده نشده باشد. سخن دیگر اینکه ما نویسنده تخصصی در عرصه ادبیات کودک کم داریم و گاهی هم که اگر از قلمی برای کودکان نوشته میشود، اندیشه بزرگسالی با زبان ساده بیان میشود که فکر میکنم تفاوتش با ادبیات کودک زیاد باشد و یا هم وعظ و نصیحتیست که فضای فکریش برای کودک و نوجوانی که در اینجا رشد میکند، مناسب نیست. ولی قابل یادآوریست که موارد استثنایی در زمینه وجود دارد و اندک کسانی کارهای مسئولانه کرده اند.

دوم پخش نشریه و تشویق و جلب توجه خوانندگان است؛ طوریکه یاد شد، بنا به نبود فرهنگ کتابخوانی میان افغانهای باشنده غرب، "نهال" نیز مانند دیگر کتابها و نشرات چاپ شده در غرب هنوز آنگونه که توقع می رود، خواننده ندارد. البته من نه تنها به عنوان سردبیر این نشریه بلکه به عنوان مسئول نهاد یک نشراتی میتوانم بگویم: نویسنده یی که کتابش را با زحمات و خون جگر می نویسد، فقط چند خواننده یی دارد که خودش در دایره کوچک فرهنگی میشناسد.